

به نام خداوند بخشاینده ی مهربان

عنوان مقاله : مشارکت در آموزش و پرورش ، راهکارها وموانع آن.

به مناسبت: هفته پیوند اولیاء ومربیان

نام ونام خانوادگی نویسنده : سید مهدی حسینی

مدرک ورشته تحصیلی : کارشناسی ارشد مدیریت آموزشی

زمان : مهر ماه ۱۳۸۹

آدرس : امارات - دبی - مجتمع آموزشی توحید پسران - معاونت راهنمایی

ایمیل : smh_5509@yahoo.com

همراه : ۰۵۶۶۷۵۲۵۰۰

مقدمه: آموزش و پرورش از مهمترین، پیچیده ترین و اساسی ترین اموری است که در زندگی انسان دارای نقش بسیار موثر می باشد. فرزندان ما زمانی از تعلیم و تربیت موفق برخوردار می شوند که بین عوامل مختلف آن هماهنگی و انسجام همه جانبه وجود داشته باشد. آموزش و پرورش همزادبشر بوده و هست بشر در سایه یادگیری و تربیت خود راساخت، اعتلا بخشید و فاصله خود را نسبت به سایر موجودات افزایش داد نیازهای یادگیری و تربیت برای انسان ها در هیچ جا و مکانی و برای هیچ قشر و مکانی تعطیل بردار نیست چراکه هم رشد و توسعه و رفاه مادی و هم اعتلا و ارتقای معنوی انسان رابطه تنگاتنگ با آموزش و پرورش دارد در طول زمان و با گسترش علم و تکنولوژی و به تبع آن نگرش مردم، آموزش و پرورش هم تحول ساختاری پیدا کرده و هم تحول شکلی. گاهی اهداف و برنامه های آموزش و پرورش تغییر پیدا کرده اند و در هر برهه از زمان مشارکت به شیوه های مختلف پر رنگ یا کم رنگ گردیده است و به جرات می توان گفت که در هیچ دوره ای مشارکت مردم در امور آموزش و پرورش تعطیل نگشته است گرچه در فراز و فرود تاریخ پر نشیب و فراز کشور ما افت و خیزهای فراوانی داشته است.^۱

در جوامع سنتی که قدرت در دست رئیس قبیله بوده است مشارکت مردم به اجرای فرمان ها و انجام درست سنت ها آنچنان که بزرگان قبیله دستور می دادند محدود می گردید اما در جوامع جدید فرصت هایی بوجود آمده تا مردم بتوانند با حضور در نهادهای مشارکتی حضور یابند و بورت مستقیم در تصمیم گیری ها و برنامه ریزی ها فعالانه مشارکت نمایند

امروزه در تمامی کشورها و جوامع وزارت آموزش و پرورش به وزارت بنیادین و محوری دولت ها تبدیل شده و حقوق مردم در زمینه آموزش و پرورش به حقوق اساسی و پایه ای حقوق تبدیل شده است حتی خانواده که سلول آغازین جامعه را تشکیل می دهد و تولید نسل پاکیزه و همچنین تعلیم و تربیت آنها را در گذشته بردوش می کشید امروزه در سایه مقررات و قوانین خاص که دیگر در حیطه حقوق خصوصی محسوب نمی شود در زمینه تعلیم و تربیت فرزندان شان ملزم به قبول مسئولیت ها و تکالیفی گردیده اند که مشارکت در آموزش و پرورش و ارتباط دوسویه با خانه دوم فرزندشان از این جمله است مشارکت مفهوم تازه ای

^۱ - قاسمی پویا . ۱۳۸۰

نیست اما باید آن را با دیدی نو نگریم این اصطلاح مترادف همکاری نیست بلکه شیوه ای است از اداره امور، متناسب با نیروی جدید و قدرتمند فعال دنیای کنونی.^۲

اهمیت و ضرورت مشارکت : انسان متفکر قادر به تغییر درسرنوشت خویش است شهید مرتضی مطهری می گوید: در میان جاندارهایی که زندگی اجتماعی دارند تنها انسان است که زندگی متکاملی دارد یعنی خداوند موجودات دیگری را طوری خلق کرده است که زندگی ثابت و یکنواختی دارند مثلا زنبور عسل که یک جاندار اجتماعی عجیبی است از دوهزار سال پیش که دانشمندان در وضع زندگی او کتاب هانوشته اند تا امروز که درباره آن مطالعاتی صورت گرفته است هیچ نشان نمی دهد که این مخلوق در وضع زندگی خودش تغییرات و تبدیلاتی داده باشد و حال آنکه از دوهزار سال پیش تا حال در زندگی انسانها هزاران تغییر و تبدیل شده است گرایش بسوی تکامل و ترقی از ویژگی های قوای بشری است این ویژگی تکامل تدریجی انسان را در طول تاریخ فراهم کرده است. انسان بدون تکامل و توسعه نیافته بینش و تجربه مناسبی برای حضور فعال در تصمیم گیری سیاسی خود و کشورش ندارد و بی تفاوت به گذران ایام می پردازد برای او قانونمندی حریم شخصی و اجتماعی و نظم پذیری و مشارکت معنی پیدانکرده و انسان بعنوان یک موجود باارزش که می تواند درسرنوشت خود موثر باشد و مسیر زندگی خود را با مشارکت در تصمیم گیری تعیین نماید و در آن مسیر حرکت کند. بدون شک امروزه مشارکت جز لاینفک زندگی انسان بحساب می آید و همه ی انسان ها ناچارند وارد این مقوله گردند و در جهت آن حرکت نمایند. حضرت علی می فرماید ملازم جمع و جماعت باشید که دست قدرت خداوند با جماعت است و از تفرقه و جدایی حذر کنید که انسان تک رو صید شیطان است همچنانکه گوسفند جدا شده از گله طعمه گرگ خواهد شد لذا در مشارکت و اجتماع قدرت و شکوه و عظمت خداوند قرار دارد و در مشارکت قدرت و توانایی و جلال و شکوه خدای بزرگ جلوه گر می شود و زمینه رشد و پیشرفت در تمام ابعاد را فراهم می آورد پس بدون مشارکت امکان توسعه و حرکت به سمت پیشرفت میسر نیست

مشارکت از من ها , ما می سازد

مفاهیم مشارکت و انواع آن : از مشارکت تعاریف متفاوتی شده است سالمون می گوید : مشارکت فلسفه یا سبک مدیریت سازمانی است که نیاز و حقوق کارکنان را تشخیص می دهد تا بطور فردی یا جمعی , با مدیریت در حیطه های فراسوی سازمانی درگیر شوند که معمولا با تبادل نظر جمعی هدایت می شوند .

مک گریگور معتقد است که مشارکت فرایندی است که با تفویض اختیار به معنای اساسی آن تفاوت اندکی دارد در حقیقت مشارکت یک مورد بخصوص از تفویض اختیار است که زیردستان با توجه به مسئولیت خود , کنترل و انتخاب بیشتری بدست می آورند

مشارکت را می توان بر حسب میزان دخالت و حضور انسان ها در امور مربوط به خودشان طبقه بندی کرد اگر میزان مداخله انسان ها در سطوح مختلف امور مربوط به خودشان از کمترین مداخله یعنی مطلع شدن از آنچه قرار است در مورد آنها یا برای آنها انجام گیرد تا بیشترین آن که تصمیم گیری و اقدام جمعی است به چند نوع و مفهوم مشارکت می رسیم که با مشارکت انفعالی شروع می گردد و با مشارکت بصورت خودجوش ختم می شود

۱- مشارکت انفعالی : این نوع مشارکت قرار گرفتن فرد در جریان آن چیزی است که قرار است در مورد آنها انجام گیرد و آنها هیچ توان و اختیاری در مورد آن چیز , جز اجرای آن ندارند بعبارتی این نوع مشارکت نوعی اعلان یکطرفه است .

۲- مشارکت خودجوش : این نوع مشارکت همانطوریکه از نام آن پیدا است مشارکت خودجوش و داوطلبانه است که نقطه ی ایده آل در زمینه مشارکت است و جوامع به آن سمت در حرکت هستند که در بعضی از جوامع در مقایسه با برخی دیگر موفق تر بوده اند البته لازمه رسیدن به این مرحله از مشارکت , بسترسازی فرهنگی و تمرین کافی در خصوص مشارکت است که نیازمند گذر زمان و ایجاد تغییر در نگرش و رفتار جامعه است که مردم بعنوان یک

حق به آن نگاه کنند و آن را وظیفه خود بدانند و با علم و آگاهی کافی در اداره امور مربوط به خود شرکت کنند .

شوراها و مشارکت در آموزش و پرورش : قانون شوراها آموزش و پرورش از زمان های گذشته مطرح بوده است . این قانون در قالب لایحه هیات دولت در سال ۱۳۴۸/۴/۱۹ در کمیسیون آموزش و پرورش مجلس شورای ملی وقت مورد بررسی قرار گرفت و پس از آن طی فراز و نشیب هایی بالاخره در ۱۱،۱۳۴۸/۱۹ در هشت ماده و چهار تبصره به تصویب مجلس شورای ملی آن زمان رسید البته طراحان و تصویب کنندگان قانون شوراها در آن زمان دارای دیدگاهها و اهداف متفاوتی بوده اند اما پس از پیروزی انقلاب شکوهمند اسلامی در ایران و گذر از بحران های جنگ سرانجام قانون شوراهای آموزش و پرورش در سال ۱۳۷۲ به تصویب رسید و وزارت آموزش و پرورش در سال ۱۳۷۴ اقدام به تشکیل شورا های آموزش و پرورش در سطح استان ها و شهرستان های کشور نمود شوراهای آموزش و پرورش گام موثری است در جهت مشارکت مردم در امر تعلیم و تربیت فرزندان شان که سرمایه ی آنهاست و اهداف این شوراها نهادینه کردن قانون ، توزیع عادلانه امکانات با اولویت محرومیت زدایی ، ارتقای کیفیت آموزشی ، اعتلای فرهنگ اسلام و توسعه و تقویت روحیه مشارکت مردم و مسئولین و تفویض اختیار به مناطق و حرکت به سمت سیاست تمرکز زدایی در امور آموزش و پرورش است . در زمینه مشارکت مردم در آموزش و پرورش در چند سال اخیر علاوه بر قانون شوراها ، تاسیس و گسترش مدارس غیرانتفاعی و اهتمام و توجه جامعه خصوصا خیرین مدرسه ساز صفحات درخشانی در آموزش و پرورش کشورمان گشوده شده است که با گسترش آن و آمیخته شدن با تعالیم اسلامی و اهداف معنوی آینده نوید بخشی برای مشارکت در آموزش و پرورش کشورمان خواهد بود آموزش و پرورش ذات مشارکتی دارد و کمتر خانواده ای در جامعه امروز ما وجود دارد که فردی از افراد خانواده اش بصورتی با نظام آموزش و پرورش بی ارتباط بوده باشد .

مدرسه محوری لازمه مشارکت در آموزش و پرورش : انسان موجودی است اجتماعی و با ترکیبی از نیاز های مختلف که از ابتدای زندگی همراه انسان متولد می شوند و بسیاری از آنها در طول مراحل مختلف زندگی دچار تغییر و تحول می گردند . ما زود در نظریه معروف خود ترکیب خوبی از نیاز های آدمی ارایه داده است که اولین نیاز در ابتدای نمودار، نیاز زیستی و در انتهای آن نیاز به خودیابی می باشد بی شک آدمی به تنهایی قادر به ارضای همه ی نیاز های

خود نمی باشد و به همین علت اجتماع وزندگی در اجتماع و مشارکت در امور اجتماعی را اختیار نموده است . مشارکت , فرصت هایی را برای مردم فراهم می آورد تا مردم بتوانند در امور مربوط به خودشان دخالت کنند و در تصمیم گیری ها نقش داشته باشند . وقتی ساکنان یک محله , یک روستا یا کارکنان یک مدرسه فرصت می یابند در تصمیم گیری های مربوط به خود شرکت نمایند هدف ها و راهکارهای تربیتی و مدیریتی مدرسه فرزندان شان را مشخص نمایند در تنظیم برنامه ها نظر دهند و در اجرای برنامه ها کمک کنند و در اداره مدرسه در طول سال به صورتی فعالانه نظارت کنند و در نهایت نتایج کار خود و مدیریت مدرسه را ارزیابی کنند شیوه ای نوین در اداره مدرسه به سبک مشارکتی ایجاد نموده اند که اعضا مدرسه را از خود می دانند و در حفظ و پویایی آن تلاش بیشتری می کنند مشارکت , جوهر مدرسه محوری است در مدرسه محوری همه ی عوامل در فرایند تعلیم و تربیت سهیم و نقش آفرین هستند و مدیر در راس مجموعه فعالیت های آنها را به شیوه مشارکتی هدایت می کند اما متأسفانه امروز بسیاری از مدیران به ماهیت و اهمیت آموزش و پرورش مشارکتی پی نبرده اند حس مالکیت به بسیاری از امور مدرسه و کم حق دانستن دیگران در تصمیم گیری از جمله آفت ها و آسیب های نظام آموزش و پرورش در حال گذر ماست پایه های نظام آموزش ما هنوز ریشه در سنت های آموزشی دیرین و مدیریت کهنه و کم تحول دارد که سیاست مدرسه محوری با این نگاه متفاوت است

مدیریت مشارکتی لازمه ی مشارکت در آموزش و پرورش : مدیریت مشارکتی , یکی از اصطلاحات جدید مدیریتی است که می کوشد تا اداره امور سازمان را بر اساس اصل مشارکت کارکنان پایه ریزی و هدایت نماید اینجاست که مدیریت بر اساس اقتدار و اختیار یک یا چند نفر که بر اساس رابطه خطی بالا و پایین استوار است نیست بلکه بمعنای سهیم کردن دیگر افراد دلسوز که در فراگرد اداره کردن شرکت دارند می باشد از این دیدگاه مدیریت می تواند از همه ی عامل های موجود در اختیار ارزش افزوده پدید آورد از طرف دیگر وقتی که افراد در تصمیمات مربوط به خود و مدرسه خود شرکت داده شوند نوعی مسئولیت را در خود نسبت به مدرسه خود احساس می کنند و در راستای تعالی و پیشرفت مدرسه گام برمی دارند

موانع مشارکت در آموزش و پرورش :

۱- ساختار متمرکز آموزش و پرورش: دلیل گستردگی و پراکندگی آموزش و پرورش همچنین بزرگ بودن آن , سیستم متمرکز را برای اداره این نظام انتخاب نموده اند سیستم متمرکز

وغير قابل انعطاف آموزش وپروورش يکي ديگر از موانع مشارکت است در نظام آموزشی ما محوريت با برنامه درسي ودستورالعمل های وزارتي است که بصورت ثابت برای تمام نقاط کشور بدون در نظر گرفتن تفاوت های فرهنگي ، بومي وجغرافيايي ارايه می گردد وميل به تمرکز امور خلاقيت ورقابت صحيح را از افرادگرفته است بصورتیکه همه به رسيدن به حد معيني اکتفا می کنند وهيچوقت در فکر رسيدن به حد مطلوب وايده آل نيستند. کارايي مدارس غيرانتفاعي وتمايل دولت به خصوصي کردن خدمات دولتي نمونه خوبي برای اين ادعااست .اگر در ساختار سازمان ها در سده بيست ويکم وروش های انجام کار تغييراتي ايجادنگرددکشور قادر به استفاده موثر از فرصت ها ومهار چالش ها نخواهد بود. لذا ضرورت دارد که حرکتی که در آموزش وپروورش به سمت غير متمرکز شدن شروع شده سرعت بيشتري داده شود تا بااعمال مديريت مشارکتی قشر سختکوش در نظام آموزش وپروورش که عمدتاً در قاعده هرم قرار گرفته اند در تصميم گيريهما مشارکت داده شوند وبا ارائه نظرات مفيد وسازنده که مبتني بر توانايي های محلي است گام های موثري در راه ارتقای بهره وري واثربخشي نظام آموزشی بردارند وبا عجين نمودن آموزش باتکنولوژی پيشرفته ونوظهور حداکثر بهره راز فرايند ياددهی يادگيري نصيب دانش آموزان ونسل های آينده نمايند.

۲- موانع فرهنگی تحقق مشارکت در آموزش و پرورش:

برای مشارکت بیشتر مردم در آموزش و پرورش موانعی وجود دارد که یکی از آنها موانع فرهنگی است لزوم مشارکت مردم تن دادن به تغییرویه ها و روش ها ست تا فعالیت ها به بهترین شیوه انجام گیرد و از بازدهی بالایی برخوردار باشد در این راه مدیران سطح بالا و مسئولین مدارس و حتی دانش آموزان در برابر تغییرات از خود مقاومت نشان می دهند و حاضر به استقبال از تغییر نیستند و عادت به روش ها و سبک های سنتی کرده اند که کمترین ریسک متوجه آنهاست لذا ضرورت دارد با بستر سازی و روش های آموزشی در دانش و نگرش افراد مجموعه و درگیر با آموزش و پرورش تغییر ایجاد نمود تا به تبع آن در رفتار فردی و سپس در رفتار جمعی آن تغییر ایجاد شود که در این صورت افراد بصورت خودجوش دنبال شیوه های نو می گردند و آنها را اعمال می کنند. مشارکت در مقابل استبداد دقرار می گیرد جامعه ما به دلایل تاریخی میراث خوار ساختار اجتماعی استبدادی است و بر اساس رسوبات اندیشه استبدادی عمل می کند .

وجود فرهنگ سکوت که نتیجه دهها سال حاشیه نشینی مردم و وابستگی آنها به دولت بوده است مانع فرهنگی دیگری است که نیازمند کار فرهنگی است تا این بینش از ذهن افراد جامعه پاک شود و خود راجدای از دولت ندانند و در برابر صدمات و آسیب هایی که به دولت وارد می شود عکس العمل دلسوزانه از خود نشان دهند . در نظر بسیاری از مردم اموال عمومی دولت بوده و نگهداری و پاسداری از آنها وظیفه اختصاصی دولت می باشد و مسئولیتی متوجه آحاد جامعه نمی گردد که ضرورت دارد این رنگی ایجاد شود و فاصله بین دولت و مردم کاسته شود که به حول خدا و به برکت پیروزی انقلاب شکوهمند اسلامی این فاصله کاهش پیدا کرده که باز نیاز به کمتر کردن آن هست .

۳- نگرش مدیران به مشارکت مالی بجای مشارکت فکری : مشارکت فکری در نظام آموزش و پرورش بیش از هر نهاد دیگری دارای اهمیت است چراکه کار آموزش و پرورش کلا پرورش فکر و ساختن انسان های متفکر است در چند دهه ی اخیر حرکت های مناسب و مفیدی برای گسترش مشارکت مردم در زمینه آموزش و پرورش صورت گرفته که یکی از آنها تاسیس انجمن اولیا و مربیان در مدارس است اما متاسفانه آموزش و پرورش نتوانست در ابتدا مجموعه خود را از اهداف بسیار متعالی انجمن اولیا و مربیان و نقش اساسی آن در مشارکت در امور مدرسه , آگاه نماید و مدیران و معلمان هدف از تاسیس این مجموعه را

جلب کمک های مالبا اولیا به مدرسه می دانستند وبدون اطلاع از ظرفیت بسیار بالای این مجموعه , یکسویه حرکت نمودند ونوعی بیزاری ومردم گریزی ایجادشد ومردم دیگر رغبتی برای حضور درمدرسه وشرکت در تصمیم گیری ها نداشتند.

کم توجهی به مشارکت فکری درمقابل مشارکت وکمک های مالی آسیب بزرگی برای گسترش مشارکت مردم در آموزش وپرورش بود چراکه نیازهای ملموس وعینی بیش از مشارکت فکری برای مدیران مدارس اهمیت داشت که ضرورت دارد مدیران وبر نامه ریزان سطوح مختلف به جلب وجذب اندیشه های کارساز وخرد جمعی توجه بیشتری بنمایند خرد در آموزش وپرورش بسیار مورد نیاز است امروز انسان های خردورز وکاردان هستند که چرخ های اقتصادی , اجتماعی وفرهنگی را می چرخانند وثروت ملی راتولید می کنند امروزه دردنیای متحول , انسان ها به دنبال شکار اندیشه ها ودانشمندان هستند وفعالیت هایی خود را فقط به دست آورد های مادی منحصر نمی کنند

نتایج وپیشنهادات :

- ۱-بهبتر است ساز وکارهایی فراهم گردد تا آموزش وپرورش از جهت گیری های سلیقه ای غیرعلمی , سیاست زدگی وروزمرگی آزاد شود.
- ۲- بستر سازی مناسب برای ایجاد باور درمدیران , کارکنان ومردم به مشارکت درامور مربوط به آموزش وپرورش ایجادگردد.
- ۳- مدیران بصورت انتخابی وبا دیدگاه مشارکتی تعیین شوند
- ۴- مشارکت امری فردی , عاطفی وداوطلبانه است که مبتنی برارزش های مورد علاقه مشارکت کنندگان است لذابا بخشنامه ودستورالعمل نمی توان دیگران راواداربه مشارکت نمود لذانیازمند ساز وکارهای خاصی است که افکارعمومی رابه سمت مشارکت داوطلبانه سوق داد.
- ۵- کانون توجه مدارس گسترش مشارکت های فکری وتوان معنوی اولیا بجای توان مالی آنها باشد.
- ۶- لازم است درخصوص تغییرات درساختار آموزش وپرورش بمنظور افزایش انعطاف وحرکت به سمت تمرکززدایی اقدامات اصلاحی شتاب بیشتری بخود بگیرد

۷- مشارکت خانواده هادرامور مدرسه سبب می شود آنها خودرادر موفقیت ها وشکست های مدرسه سهیم بدانند که با موفقیت احساس افتخار وبا شکست احساس مسئولیت برای جبران می کنند.

منابع :

- ۱- قاسمی پویا , اقبال . راه های حصول به مشارکت مردم درآموزش وپرورش . پژوهشکده تعلیم و تربیت . تهران . ۱۳۷۷ .
- ۲- سام آرا , عزت الله . مبانی نظری مفهوم مشارکت . فصلنامه مشارکت تهران . ۱۳۸۱ .
- ۳- مک لگان , پاتریشیا و کریستونل . عصر مشارکت . ترجمه مصطفی اسلامی . دفتر پژوهش های فرهنگی . تهران . ۱۳۸۰